جانباز یعقوب بلوکی در گفت‌وگو با «جوان» از نقش شهید زین‌الدین و لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب(ع) در دوران دفاع مقدس می‌گوید

فرمانده‌ای که جلوتر از نیروهایش در خط مقدم می‌جنگید

■ احمد محمدتبریزی

لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) به فرماندهی شهید مهدی زین‌الدین در دفاع مقدس نقش پررنگی بر عهده داشت. غواصان این لشکر در کنار دیگر رزمندگان، در عملیات بزرگی حضور یافتند و با رشادت و شجاعتی مثال‌زدنی با دشمن بعثی جنگیدند. شهید زین‌الدین به عنوان جوان‌ترین فرمانده لشکر به خوبی مسئولیت هدایت نیروها را بر عهده داشت و رزمندگان هم عشقی وصف‌نشدنی به فرمانده‌شان داشتند. یعقوب بلوکی از رزمندگان لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب(ع) است که برای عملیات فتح‌المبین به جمع سایر نیروها می‌پیوندد و در جریان عملیات بیت‌المقدس جانباز می‌شود. همچنین برادر این جانباز دفاع مقدس، عباس بلوکی در عملیات خیبر به شهادت می‌رسد. بلوکی خاطرات زیادی از شهید زین‌الدین و دفاع مقدس دارد و در گفت‌وگو با «جوان» از نقش نیروهای لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب(ع) در عملیات‌های مهم و سرنوشت‌ساز می‌گوید.

ماجرای اعزام شما به جبهه از کجا شروع شد و در کدام مقطع از دفاع مقدس به جمع رزمندگان پیوستید؟

من در ۱۶ سالگی و در تاریخ ۶۰/۱۲/۱۵ در تهران دوره‌های آموزشی را دیدم و ۱۰ فروردین به منطقه اعزام شدم. در اواخر عملیات فتح‌المبین به جمع رزمندگان پیوستم و پس از فتح‌المبین، عملیات بیت‌المقدس شروع شد. در این عملیات زخمی شدم و چندین ماه تحت نظر پزشک بودم و پس از بهبودی در عملیات‌های والفجر مقدماتی، یک، دو و سه شرکت کردم. پس از آن در عملیات‌های ۴ و ۵ حضور یافتم و تا آخر جنگ در مناطق عملیاتی حاضر بودم. بیشتر حضور من در جبهه به بودن در لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب به فرماندهی سردار شهید مهدی زین‌الدین سپری شد.

در ۱۶ سالگی تا چه اندازه شرایط جنگ را درک می‌کردید و بنا به چه تصمیمی عازم منطقه شدید؟

چند عامل باعث می‌شد ما به جبهه برویم. نخست فرمان حضرت امام(ره) بود. وقتی ایشان موضوعی را می‌فرمودند حجت برای همه تمام می‌شد و باید دفاع می‌کردیم. نکته بعدی وطن‌دوستی و ناموس‌پرستی‌مان بود. وقتی ما می‌دیدیم دشمن حمله کرده و کشورمان را مورد هجمه قرار داده آدم نمی‌تواند ساکت نمی‌نشیند. من اولین بار در نیمه اول سال ۶۰ می‌خواستم اعزام شوم که چون هم قدم کوتاه بود و هم ۱۵ سال سن داشتم، من را اعزام نکردند. هر کاری کردم قبول نکردند. وقتی تیرماه ۱۶ ساله شدم دوباره اقدام کردم که اعزامم تا اسفندماه طول کشید.

آیا ترسی از جنگ یا مقابله با دشمن نداشتید؟

عنایت خدا به قدری شامل حال رزمندگان می‌شد که هیچ رزمنده‌ای واهمه‌ای در دلش نبود. شب‌های عملیات دو یگان همیشه پیشقراول بودند. یکی اطلاعات عملیات که منطقه را شناسایی می‌کند و یکی تخریبچی‌ها که میدان را باز می‌کنند. گاهی بچه‌های تخریب معبر را باز می‌کردند ولی وقت نمی‌شد تا آخر میدان و معبر را باز کنند و دشمن متوجه حضورشان می‌شد. در چنین موقعیتی مسئولان تخریب به فرمانده گردان‌ها می‌گفتند تا اینجا آمدیم و از اینجا به بعد نمی‌توانیم پیش برویم. یا باید عملیات را ول کنیم یا باید نفر باشد تا روی مین برود. زمانی که چنین موضوعی مطرح می‌شد ۳۶۵ نفر نیرو می‌گفتند می‌خواهند روی مین بروند. وقتی خاطرات رزمندگان را می‌شنویم می‌بینیم آنها عشق داشتند. ترس در دلشان نبود. همیشه مشتاق شهادت بودند. در عملیات بیت‌المقدس ما خط اول را شکستیم و پیکر تعدادی از عراقی‌ها را دیدیم. من یک بسیجی کوچک با جثه ریز بودم و اسلحه هم برایم سنگینی می‌کرد. وقتی بالای سر جنازه نظامی عراقی رسیدم و هیکلش را نگاه کردم کمی ترسیدم و دلهره مرا گرفت که نکند زنده باشد. بالای سرش رفتم و لگدی به او زدم که مطمئن شدم مرده است. همین یک لحظه دلهره گرفتم که نکند خودش را به مردن زده باشد. در کل نیروهای باشجاعت و وفاداری جلو می‌رفتند و ترس در دلشان نبود.

همین اعتقاد و باور هم نقطه اتکا و پیروزی ما بود.

علم نظامی می‌گوید فرماندهان لشکرها باید ۱۰ کیلومتر عقب‌تر از یگان‌ها حرکت کنند تا ستاد فرماندهی دستور پیشروی بدهد اما در دفاع مقدس به این شکل نبود. شهید زین‌الدین شب عملیات والفجر ۴ برای ما سخنرانی کرد و ما فکر می‌کردیم روز عملیات می‌خواهد به عقب برگردد ولی دیدیم روز عملیات جلوتر از همه حرکت می‌کند. ما به ارتفاعات کله‌قندی رسیدیم و دیدم رگبار به آقامهدی می‌زند. معاون گردان، ایشان را به اسمش قسم داد که اگر برنگردی و عقب نروی همین الان جبهه را ول می‌کنم و می‌روم. ایشان را با یک نفربر به عقب برگرداندیم. دوباره خبر آمد از یک محور دیگر به خط زده است. وقتی یک بسیجی با جان و دل عمل می‌کند از این طرف می‌بیند یک فرمانده لشکر این‌طور جلوتر از همه حرکت می‌کند. فرمانده لشکرهای ما لب خط می‌جنگیدند و بسیجی وقتی اینها را می‌دید با جان و دل جلو می‌رفت. شهید باکری در عملیات بدر در نوک پیکان با دشمن می‌جنگید. حاج‌احمد کاظمی یک بار تعریف می‌کرد که به شهید باکری گفته‌ام آقامهدی! به آن منطقه نرو و شهید باکری جواب داده اینجا بهترین جاست و اگر بیایید صفایش را درک می‌کنید.

این فرهنگ ایثار از رزمنده به فرمانده و از فرمانده به رزمنده در جبهه وجود داشته است؟

بله، آن زمان بوده و الان هم هست. الان مگر مدافعان حرم چه کسانی هستند؟ از جنس همان رزمندگان دفاع مقدس هستند که خاطرات شهدا را مطالعه کرده‌اند و نسل به نسل منتقل شده است. نسل‌های بعدی هر قدر درباره هشت سال دفاع مقدس مطالعه کنند از آن بسیار خواهند آموخت.

جانبازی شما چطور اتفاق افتاد؟

مرحله اول عملیات بیت‌المقدس تا جاده اهواز- خرمشهر چهار خاکریز از عراقی‌ها گرفتیم. اوایل جنگ سپاه زرهی و توپخانه نداشت و عراقی‌ها در جاده فشار می‌آوردند و پاتک می‌زدند. ما برگشتیم فردا صبح دوباره حرکت کردیم. پشت جاده اهواز- خرمشهر به پایم گلوله خورد و به عقب منتقل شدم. سوم خرداد من در بیمارستان خبر آزادی خرمشهر را شنیدم. انتشار این خبر شور و حال خاصی را به همه در بیمارستان داد. احساس غرور می‌کردیم و خوشحال بودیم. پس از شش ماه در آذر ۶۱ دوباره همراه فرمانده‌ام شهید حاج‌میرزاعلی رستم‌خانی در جبهه بودم.

غواصان لشکر ۱۷ در عملیات کربلای ۴ حضور چشمگیری داشتند. دلیل اهمیت به غواصی در لشکر ۱۷ چه بود؟

اگر الان وارد استان زنجان شوید روی تابلویی نوشته به شهر شور و شعور حسینی و شهر غواصان خوش آمدید. غواصان زنجانی در کربلای ۴، ۵ نقش خیلی مهمی ایفا کردند. همه یگان‌ها غواص داشتند و میزان آمادگی غواصان به تمرینات‌شان بستگی داشت. ما سه استان شمالی داریم که ساحل و دریا زیاد دارند و بیشترین غواص‌ها باید از این استان‌ها باشند. استان زنجان دریا ندارد ولی چون آموزش و تمرینات مداوم داشتند و چون زنجان منطقه سردسیر است توان و طاقت زیادی برای ماندن در آب دارند. به همین خاطر بچه‌های زنجان در آب هم طاقت زیادی داشتند و سرما و فشار آب را تحمل می‌کردند. در این دو عملیات هم شاهکار کردند.

اگر بخواهید شهید زین‌الدین را برای ما که ایشان را ندیدیم توصیف کنید، چه مسائلی باعث شده بود تا ایشان آنقدر شاخص شود؟

شهید مهدی زین‌الدین با ۲۲ سال سن جوان‌ترین فرمانده لشکر بود. زمانی که می‌خواستند ایشان را به عنوان فرمانده لشکر انتخاب کنند، قبول نمی‌کرد و می‌گفت مسئولیت سنگینی است و من جواب بچه‌های مردم را چطور می‌خواهم بدهم. گاهی اوقات تعداد نفرات لشکر به ۵۰ هزار نفر می‌رسید و شهید زین‌الدین احساس مسئولیت زیادی بابت فرمانده لشکر شدن می‌کرد. حتی موقعی که دخترش به دنیا می‌آید و به ایشان اعلام می‌کنند برای تولد فرزندت به خانه برو، شهید زین‌الدین جواب می‌دهد اگر به خانه بروم و بچه‌ام را ببینم محبتش به دلم می‌افتد و دیگر نمی‌توانم به منطقه برگردم. با علاقه خاصی به بسیجی‌ها توجه می‌کرد. محبت این عناصر مخلص در دل او جایگاه ویژه‌ای داشت. برای رسیدگی به وضعیت نیروها و مطلع شدن از احوال برادران رزمنده خود به واحدها، یگان‌ها و مقرهای لشکر سرکشی می‌کرد و مشکلات آنان را رسیدگی و پیگیری می‌کرد. ما چنین نفراتی داشتیم که در قبال جوانان مردم احساس مسئولیت سنگینی می‌کردند. وقتی برای بچه‌های لشکر صحبت می‌کرد همه مشتاق بودند و برای سخنانش عشق می‌ورزیدند. خط‌شکنی شب‌های عملیات و جنگیدن با دشمن در روز و مقاومت در برابر سخت‌ترین پاتک‌ها به خاطر روحیه بالای شهید زین‌الدین بود. روحیه‌ای که اساس و بنیان آن بر ایمان و اعتقاد به خدا استوار بود. مجاهدت دائمی او برای خدا بود و هیچ‌گاه اثر خستگی روحی در وجودش دیده نمی‌شد. شهید رضا حسن‌پور جانشین لشکر بود، شهید قامت بیات، شهید احمد صادقی و شهید حمید احمدی از دیگر شهیدان لشکر علی‌بن ابیطالب بودند. خدا این جوانان را انتخاب کرده بود تا با خودش ببرد. یکی از نقاط قوت ما در دفاع مقدس وجود چنین فرماندهانی بود.

کمی هم از حال و هوای محرم در جبهه بگویید که عزاداری حسینی تا چه اندازه فضای جبهه را تغییر می‌داد؟

من دو محرم را در جبهه بودم. یک بار مرا به پادگانی سمت کرخه مأمور کردند که ۹۰۰ نفر از بچه‌های زنجان آنجا حضور داشتند. اگر عزاداری آذری‌ها را دیده باشید، یک دستشان در کمر و یک دست در شانه‌شان است و پاهای‌شان را محکم به زمین می‌کوبند. مداحان وسط عزاداران می‌خواندند و رزمنده‌ها پاهای‌شان را به زمین می‌کوبیدند و جواب می‌دادند. یک سال محرم را به این زیبایی در جبهه گذراندم. یک بار هم سال ۶۲ در منطقه شیخ‌صالح در منطقه سرپل ذهاب بودم. اینجا همراه بچه‌های سمنان و مناطق دیگر بودم که نوحه‌خوان‌ها می‌خواندند و سینه می‌زدیم. مراسم محرم در جبهه خیلی باصفا بود و شور و حال عجیبی داشت. این مراسم‌ها باعث می‌شد رزمندگان روحیه بالایی بگیرند. رزمندگان عزاداری‌شان نمونه بود و حالت خاصی عزاداری می‌کردند. ما حتی عملیاتی هم به نام محرم داشتیم. عملیات محرم در روزهای ماه محرم انجام شد و استان اصفهان ۳۵۰ نفر در این عملیات شهید داد. رزمندگان بر اثر طغیان رودخانه دویرج به شهادت رسیدند و مردم اصفهان در یک روز پیکر ۳۵۰ شهید را تشییع کردند که به یک نماد در دفاع مقدس تبدیل شد.

> مراسم محرم در جبهه خیلی باصفا بود و شور و حال عجیبی داشت. این مراسم‌ها باعث می‌شد رزمندگان روحیه بالایی بگیرند. رزمندگان عزاداری‌شان نمونه بود و حالت خاصی عزاداری می‌کردند. ما حتی عملیاتی هم به نام محرم داشتیم. عملیات محرم در روزهای ماه محرم انجام شد و استان اصفهان ۳۵۰ نفر شهید داد

جانباز یعقوب بلوکی نفر سمت چپ

گفت‌وگو

فرمانده ناحیه سلمان فارسی در گفت‌وگوی «جوان» از برنامه‌های هفته دفاع مقدس می‌گوید

سیلورمن‌ها با نماد رزمندگان در چهارراه ولیعصر حضور می‌یابند

■ غلامحسین بهبودی

بزرگداشت هفته دفاع مقدس امسال در حالی برگزار می‌شود که درست ۳۰ سال از اتمام جنگ گذشته است. حالا جوان‌ها و نوجوان‌هایی قدم به عرصه جامعه گذاشته‌اند که چیزی از آن روزها به یاد نمی‌آورند. از همین جاست که باید برای شناساندن حماسه‌آفرینی رزمندگان، اقدامات مؤثری انجام گیرد. گویا امسال ناحیه سلمان فارسی (منطقه ۱۱) تهران، نمایشگاهی را در پارک دانشجو و چهارراه ولیعصر(ع) که از اماکن پرتردد پایتخت است، برگزار می‌کند. در گفت‌وگویی که با سرهنگ روح‌الله قسام‌باشی فرمانده این ناحیه داشتیم، از چند و چون این نمایشگاه و اقدامات ناحیه سلمان فارسی پرس‌وجو کردیم.

منطقه ۱۱ مرکز شهر و نقاط پرتردد تهران را شامل می‌شود، شما بهترین اماکن را برای معرفی بهتر حماسه‌آفرینی رزمندگان در دفاع مقدس را دارید.

بله همین هم کار ما سخت‌تر می‌کند. شاید کمتر کسی در ایران باشد که چهارراه ولیعصر و پارک دانشجو را نشناسد. غیر از تهرانی‌ها، هر کس مسافر این شهر می‌شود گذرش به این

> برای دانش‌آموزان در غرفه ماکت عملیات جنگی هر روز روایتگری و تشریح نوع عملیات‌ها را خواهیم داشت. چون در ماه محرم قرار داریم، بعد از ظهر در همان استیج تعزیه‌خوانی داریم

چهارراه می‌افتد. در جلساتی که با کمیسیون فرهنگی و شورای فرهنگی منطقه ۱۱ داشتیم به این نتیجه رسیدیم که باید از ظرفیت‌های این نقاط به خوبی بهره ببریم. چهارراه ولیعصر یک زیرگذر پرتردد دارد که ان‌شاءالله امسال در آن نمایشگاه عکس دفاع مقدس را برگزار می‌کنیم. کارمند یا کارگری که فرصت رفتن به نمایشگاه را ندارد، حین راهش می‌تواند از این نمایشگاه دیدن کند. همچنین برنامه حضور مردان خاکی و سیلورمن‌ها (مردان نقره‌ای) در زیرگذر چهارراه ولیعصر(عج) پیش‌بینی شده است. این سیلورمن‌ها با چفیه و نمادهای رزمندگان تابلویی از فرمایشات مقام معظم رهبری را با مضامینی چون زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا کمتر از شهادت نیست، یا فرمایش اخیر آقا در این خصوص که جنگ نخواهد شد، مذاکره هم نخواهیم کرد، در دست خواهند داشت. با توجه به حضور قشر عموماً جوان در این نقطه، پیش‌بینی می‌شود تأثیر خوبی هم داشته باشد.

پارک دانشجو فضای خاصی دارد و خیلی از جریان‌های فکری سعی می‌کنند فضای آن را در اختیار بگیرند، می‌توانیم امسال در هفته دفاع مقدس شاهد برگزاری یک نمایشگاه تأثیرگذار باشیم؟

ما سعی‌مان را می‌کنیم. امسال یک نمایشگاه ۲۴ غرفه‌ای در این پارک برپا می‌شود که بخش‌های مختلفی دارد. مثل بهداری در رزم که در این غرفه ایستگاه قند خون و چربی و وزن و چک‌آپ رایگان به بازدیدکنندگان ارائه می‌شود. همچنین غرفه‌های معراج شهدا، ماکت جنگی رزمایش‌ها و عملیات مرصاد، غرفه فضای مجازی (بررسی آسیب‌ها و جنگ روانی دشمن در این فضا)، غرفه اقتصاد مقاومتی با شعار حمایت از کالای ایرانی، غرفه زنان در دفاع مقدس که به اقدامات بانوان ایرانی از پشتیبانی جنگ تا حضور در میدان نبرد در قالب امدادگر می‌پردازد، غرفه بازی‌های فکری برای کودکان از این جمله است. امسال برای کودکان و نوجوانان برنامه‌های خاصی داریم. مهد قرآنی در نظر گرفته شده که در آن بچه‌ها از موضوعات و آسیب‌های روز و بحث دفاع مقدس نقاشی و رنگ‌آمیزی می‌کنند. هدایایی هم برای کودکان در نظر گرفته‌ایم.

روایتگری در تاریخ دفاع مقدس جایگاه ویژه‌ای دارد، روایتگری هم دارید؟

امسال یک قسمت به عنوان جنگ شبانه داریم که بعد از نماز مغرب و عشا برگزار می‌شود. در این جنگ شبانه از یادگاران دفاع مقدس دعوت به عمل می‌آید. از زبان این رزمندگان و ایثارگران بخش روایتگری که شما هم اشاره کردید انجام می‌گیرد. همچنین برای دانش‌آموزان در غرفه ماکت عملیات جنگی هر روز روایتگری و تشریح نوع عملیات‌ها را خواهیم داشت. به شکل کلی برنامه جنگ شبانه به این ترتیب است که چون در ماه محرم قرار داریم، بعد از ظهر در همان استیج تعزیه‌خوانی داریم. بعد از نماز مغرب و عشا، با دمامه‌زنی کار جنگ شبانه شروع می‌شود. پس از قرائت قرآن هر شب یک مهمان عزیز دعوت می‌شود که خاطرات جنگ و پرسش و پاسخ‌ها با این مهمان مطرح می‌شود. گروه سرود و تواشیح و شعرخوانی حماسی و برنامه‌هایی از دست هم درنظر گرفته‌ایم. در بحث مدافعان حرم، از گروه‌های تئاتری که این حوزه کار کرده‌اند دعوت به عمل آمده تا در این خصوص هنرآفرینی کنند.

غیر از نمایشگاه، برنامه‌های دیگری هم دارید؟

در سطح منطقه عزیزانی مثل کاسب‌ها و مغازه‌دارها هستند که وقت نمایشگاه رفتن ندارند. برای این دسته از مخاطبان ستون کشی خودرویی داریم که تداعی‌کننده اعزام‌های دوران جنگ است. یک سیستم صوت و یک کامیون و چند تا خودروی تویوتا که بچه بسیجی‌ها عقبش نشسته‌اند، در سطح منطقه حرکت می‌کنند و دوران جنگ را تداعی می‌کنند. در کنارش حوزه‌ها و پایگاه‌ها و مساجد هم موظف هستند که به قدر وسع خودشان یاد و خاطره دفاع مقدس را در این هفته گرامی بدارند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۶۸

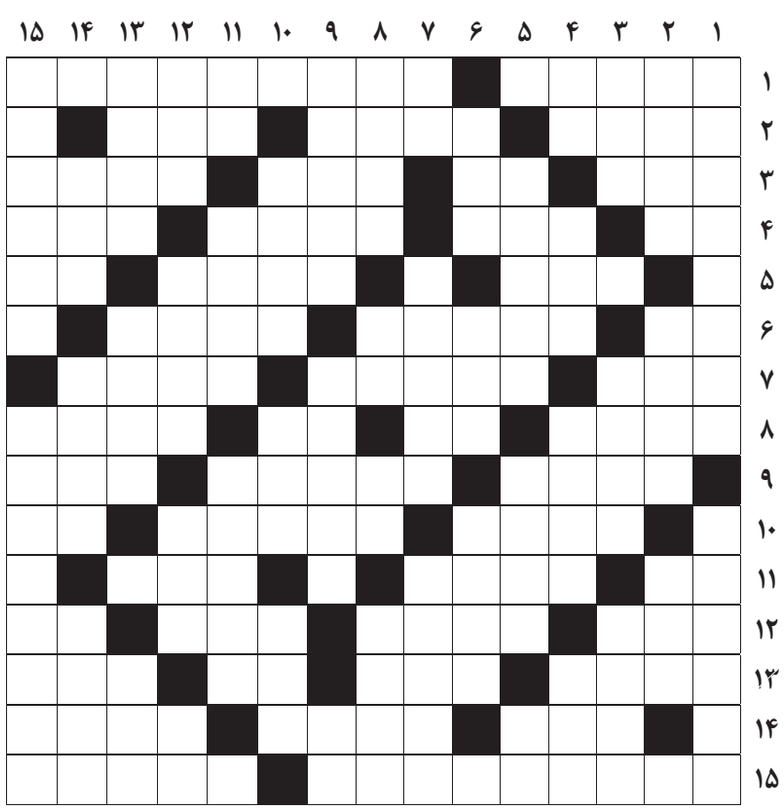

از راست به چپ

■ ۱- راغب و شایق- مدت‌های بسیار ■ ۲- دیلم- نوعی خوراک ایرانی- درختی همیشه سبز ■ ۳- نوعی بستنی- رأس- از درختان جنگلی شمال- تأخیر ■ ۴- ادب نشده- عکس العمل گلر- چرم دباغی نشده- دوری و فراق ■ ۵- نان صبحانه- از اصول دین- نور اندک ■ ۶- وارونه سو- مادر همه هنرها- نمایش خنده‌دار ■ ۷- پرستار- خودپسندی- نوشیدنی حرام ■ ۸- بستنی بی چوب- فلز سرچشمه- از عربی- وبا ■ ۹- همداستان عذرا- امنیت- بی دینی ■ ۱۰- پشیمان- آسیب جسمی یا روحی- اندک ■ ۱۱- نیزه کوچک- آهسته آهسته- محل تلاقی زمین و آسمان ■ ۱۲- دیوار گلی- مقابله به مثل کردن- خونبها- ذات و شخص ■ ۱۳- بین مچ و آرنج دست- کیش و مذهب- صابون خیاطی- قدرت ■ ۱۴- مقابل ازل- موی گردن خروس- روادید ■ ۱۵- قطار قدیمی که بین تهران و شهرری در حرکت بود- لقب رستم دستان

از بالا به پایین

■ ۱- نوعی غذای محبوب- نماد شخصیتی ایالات متحده ■ ۲- نظر می‌کند به وجه‌الله- از ماهی‌های خزری- مرزبان ■ ۳- نیمسال تحصیلی- روغن‌فروش- زندگی ■ ۴- مخفف هستم- فاقد استحکام لازم- ضرورت ورزش تیراندازی- واحد اندازه‌گیری آب رودخانه ■ ۵- خیابانی در مرکز تهران- دیرینگی- رود آرام ■ ۶- برداشت محصول- مقابل اخص- دارای نقش و نگار ■ ۷- از نت‌ها- مادر داریوش- جهانگرد ونیزی ■ ۸- سرمربی آرسنال- رود فرانسوی- لخت- بالا رفتن ■ ۹- هر چیز بد و زشت- به یکدیگر خوشامد گفتن- حرف دهن کجی ■ ۱۰- پیلوت- رشد- ورم عفونی ■ ۱۱- برگ برنده- حاشیه کتاب- تصویر بزرگان دین ■ ۱۲- تنه درخت- ستون خیمه- خبرگزاری اسپانیایی- کلمه شگفتی ■ ۱۳- از تقسیمات قرآن- کاغذ نقشه برداری- ولی ■ ۱۴- ناپاک شرعی- عفونت قارچی دهان- دختر کتاب بینوایان ویکتورهوگو ■ ۱۵- شهری در گیلان- کشور ایروان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۸	۴	۳					
						۲		۳
۳			۷	۹	۵			
۶	۲	۷						
						۳		۱
				۸	۷			
۴						۵	۲	
			۱	۵		۸		
		۶		۷				

۶	۹	۱	۹	۸	۹	۵	۷	۷
۹	۵	۷	۹	۷	۱	۶	۸	۹
۸	۹	۷	۶	۵	۷	۹	۱	۹
۹	۹	۵	۸	۷	۶	۷	۹	۱
۱	۸	۹	۵	۹	۷	۷	۶	۹
۷	۷	۶	۱	۹	۹	۸	۹	۵
۷	۱	۹	۷	۶	۸	۹	۵	۹
۹	۷	۹	۷	۹	۵	۱	۶	۸
۵	۶	۸	۹	۱	۹	۹	۷	۷

جدول کلمات متقاطع
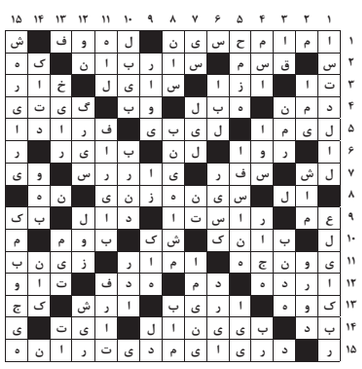
پاسخ جدول شماره ۵۴۶۷